

محمد رضا حکیمی

از مشهد

کتابشناس کبیر

آنجا که افق نیلگون، چهره‌ی افتخارات و عظمه‌های اجتماعات
را، همراه فروغ ستارگان میگیرد، و در اوراق جاوید تاریخ ملت‌ها منعکس
میسازد،

آنجا که کوششها و تلاشهای افراد جامعه‌ها - دهقانان که
با خاک آفتابهای رنج‌زا، گردبادهای وحشی و تندرهای خشن دست
بگریباندند، تا کارگران شهرها و پیشه‌وران و صنعتگران و دانش‌آموزان
و دانشجویان و هنرمندان و نویسندگان و... بنظر جاودانگی ارزیابی
میگردد،

آنجا که انسانهای پر جلال، مانند شعله‌های فروزان، در زوایای
اجتماعات در هم فرد غلنیده‌ی بشری نور میپاشند،

آنجا که تاریخ‌نویسان میخوانند و ما خرا اقوام خود را یادداشت کنند،

آنجا که اجتماعی می‌خواهد بخود بی‌الد، و نوامیس روحی و هستی

معنوی خویش را در پیشدید امیدوار کننده‌ی قرار دهد،

آنجا عاقلانه، جایی است که دانشمندان بزرگ، روزنه‌های معنویت
جاویدان قرار گرفته‌اند .

تاریخ علم، از پژوهشگران و محققانی که گردآورنده‌ی آثار علمی
و بهم آمیزنده‌ی نتایج پراج افکار میباشند، بسی برخوردار است،
ولیکن در آن میان، گردهی در اثر توان خستگی ناپذیر، و پشتکار دامنه-
دار، و ایمانی که بکار خود دارند، با افتخار و امتیاز عظیم‌تری دست
یازیده‌اند .

اعصار و قرون پر انقلاب و حادثه خیزی که بر شیعه گذشت، بارها
کتابخانه‌های آنان را در کام شعله‌های آتش ریخت و تالیفها و تصنیفهاشان
را بدست نیستی سپرد .

این اقلیت مبارز، چون راجع به مسائل حکومت، اعتقادی ویژه
داشتند، و روی اصل انساندوستی و سیمعی که مکتب شیعه بر آن بنیاد شده بود،
و پیش و بزرگ آنان امام علی بن ابیطالب گفته بود: « بخدا این پاره
کفش در نظرم از امارت و حکومت بر شما محبوبتر است، مگر اینکه
بتوانم حقی را بهای کنم، یا باطلی را از بین برم، (۱)

روی این اصل، همواره سختگوئیهای بزرگان مکتب نیز برای
دمانیدن این فروغ بود تا دورترین نقاط سکونت انسانها، و بوجود
آوردن رژیم انسانی و عادل .

(۱) قال عبدالله بن عباس: دخلت علی امیر المؤمنین بنی‌قار. وهو یخصف
نملہ۔ فقال لی: «ما قیمة هذا النعل؟» فقلت: لاقیمة لها، فقال: «والله لاهی احب
الی من امرکم، الا ان اقیم حقاً او ادفع باطلا»۔ نهج البلاغه - خطبه ۳۳ .

این عقیده‌ی جاندار ، ژورمندان عصرها را وامیداشت که این تزعالی را بکوبند ، وشعاع شخصیت ، ودایره‌ی نفوذ دانشمندان را محدود کنند ، ولیکن: «الحق یعلو ولا یعلی علیه» .

درعین این گیر و دارهای هیجانبار، وتهاجمهای هستی‌سوژ، شیعه توانست فرهنگ پی‌ناوروغنی بوجود آورد ، وفلاسفه، عقیده‌شناسان ؛ حقوق‌دانان ؛ محدثان ، مفسران، ادیبان ، پزشکان ، ریاضیدانان ، هنرمندان، شاعران، نویسندگان، فلک‌شناسان، معلمان بزرگ، اخلاق‌دانان علمای علوم انسانی واجتماعی ، ومحققان مشهوری پرورش دهد وافق تصنیف وتألیف را توسعه‌ی شگرف بخشد، اینهمه کوششها و فعالیت‌های بیدریغ آیا توماری نمیخواست؟

اینهمه تالیف‌های ارزنده که در تنگنای اختناقها بوجود آمده ود، آیا بفهرست دقیق وجامعی نیازمند نبود ؟ اینهمه آثار معنویت که بدست ژبدگان تاریخ تمدن اسلامی پابصر صهی ظهور نهاده بود، آیا به‌شناساننده‌ی صلاحیتدار احتیاج نداشت ؟

آیا شایسته بود که در اثر معرفی نشدن این آثار - مثل جراحی زیدان، هنگام ذکره مؤلفان ومؤلفات شیعه ، قلم خود را خاموش بگذارد بلکه غرض بر اندومصلح بزرگی مثل کاشف الغطارا بخشم ونفرت وادارد و آیا کتابخانه‌های جهان، از حوزه‌های تشیع، متوقع نبودند که تالیفی در باره آثار و ذخائر و کتب عالمان شیعه، فراهم آورده وبدست اهتاسپارند؟ آری اینها بود، اینها بود وایمانی عمیق، اینها بود وعشقی آرام- افروژ به مقام والای امیرالمؤمنین ، اینها بود واحترامی بزرگ نسبت به

خدمات علمای قرون و اعصار، اینها بود و پشتکاری بیکران و تقوایی توفیقزا و معنویتی فروزان که عالمی کوشنده رادر میان گرفت، و بیش از ۵۰ سال عمر او را در زوایای کتابخانه‌ها باطلوع و غروب خورشید سپری کرد. و او را به نوشتن کتاب: «الذریعة الی تصانیف الشیعه» واداشت.

خلاصه‌ی از زندگی‌نامه‌ی:

علامه محمد محسن معروف به شیخ آقا بزرگ تهرانی که هم اکنون ۹۲ سال از عمر پر حاصلش می‌گذرد؛ سال ۱۲۹۳ هـ ق در تهران از مادری بزراد، و پس از تحصیلات مقدماتی، سال ۱۳۱۳ به نجف سفر کرد و تا سال ۱۳۲۹ در همانجا بود، و از آن پس به کاظمین رفت، و به حوزه‌ی سامران نیز اتصال یافت، و در سراسر این دوران از محضر اسنادان بزرگ علوم اسلامی رافرا گرفت، و به مرحله‌ی کمال علمی رسید، و در تهذیب اخلاق و تکمیل نفس گامها پیش هشت، بدانگونه که روحانیان نجف هم اکنون از کوچک و بزرگ در نماز جماعت به وی اقتدا میکنند و برای کسب معنویت بحضورش می‌شتابند.

وی پس از وصول با جهاد و تهذیب نفس بآداب شرعی، به کار تحقیق و تتبع و تألیف پرداخت، ده‌ها کتابخانه را بدقت دید و فهرستها خواند، و سفرها کرد، و هیچ‌دم آسوده ننشست (۱) تا تألیفهای ارزشداری بوجود

(۱) داستان پشتکاری و آرام نگرفتنش از پژوهش و تحقیق، سخنی است مسام همگان، یاد باد آتروز؛ در ۱۷ سال پیش که بزیارت مشهد مشرف بود، و عصری بکتابخانه‌ی مدرسه نواب آمد (در آنروز گار کتابخانه در ضلع جنوبی مدرسه بود و رونقی داشت، زیرا مرئی کامل و انسان بزرگ و عالم پرهیزکاری چون مرحوم حاج شیخ علی اکبر نوقانی- ۱۳۷۰م- در رأس مدرسه قرار داشت که

آورد و از همان روزگار (سال ۱۳۲۹ هـ ق) بهخواست افاضل آن دوران ،
و ترغیب و تحریض علامه سید حسن صدر مؤلف «تأسیس الشیعه» و علامه میرزا
محمد تهرانی مؤلف «مستدرک البحار» به تالیف «الذریعه» دست زد. و هماهنگی
برای آنکه خاطری آسوده و فراخی بیشتر داشته باشد شهر سامرا (کنار دجله
در شمال بغداد) را برای سکونت انتخاب کرد، بعدها باژ پنجف باژ گشت، تا

→ او بمنزل و اشیات، پنهان و ارزش کتاب و کتابخانه را میدانست) و پیش از آنکه
به تشریفات پیران از ندوبرایش میز مخصوص بگذارند، بی‌ریا بر کف کتابخانه نشست
و در میان کتابها بگردش و استنساخ غرق شد که خورشید هم خسته گشت و سر بدامن
و غرب نهاد و او را تنها گذاشت با همان کتابها، بارها در دوران تحصیل، هنگام خستگی
زیاد در محلهای مطالعه‌ی خود یاد همین خاطر، را نشاط بخش خویش قرار داده‌ام .
چند سال پیش نیز (۱۳۸۰) که بازوی بمشهد آمده بود و هنوز روزهای اول
بود، و همگان مطلع نشده بودند، در محضرش سخن از مدرس بزرگ مرحوم حاج
شیخ هاشم قزوینی (م ربیع الاول ۱۳۸۰) رحمه الله عابیه که در آنوقت در حال
حیات بود، بمیان آمد . او با همان خستگی پیری و فنور سالخوردگی بسرعت پیا
خواست و با آنکه بی‌هنگام بود خواست بمنزل وی رود تا شفاهاً از شرح حالش مطلع
شود و در یادداشتهاش ضبط کند .

و باز روز دیگر که سخن از آموزگار بزرگ معارف حضرت شیخ مجتبی
قزوینی - دام ظلّه - و عالم عدل زکی مرحوم شیخ علی اکبر الهیانی طالقانی (م
رجب ۱۳۸۰) رحمه الله علیه که در آن هنگام در قید حیات و در مشهد در حال کسالت
بود رفت همانگونه بشور پیگیری خویش افتاد، و بیادداشت که شرح حال پدران این
دو عالم را در «هدیه الراضی» در شمار اصحاب حوزه سامرا نوشته است

اینکه سال ۱۳۵۵ نخستین جلد الذریعه را از آنجا منتشر کرد .

استادانش

رسیدن به استادان فیاض، و مر بیان لایق، از توفیقه‌های خاصی است که گاه نصیب کسان می‌گردد، و از جمله علامه شیخ آقا بزرگ را این نصیب بوده است. وی در آغاز تشریف به نجف، به مرحوم حاج میرزا حسین نوری (۱) متصل می‌شود، و از چنان مرد پخته و متخصص کم نظیری استفاده می‌برد، و از وی باخذ اجازة‌ی حدیث نایل می‌آید و اکنون تنها یادگار او: و تنها کسی که بی‌واسطه از او اجازة‌ی روایتی

(۱) علامه شیخ آقا بزرگ؛ در اجازة‌تیکه برای نویسنده این سطور در نیمه رجب ۱۳۸۳ - نوشته است می‌گوید: «دو نذکر الان اعلی اسانیدی و اوثق طرقی و هو ما رویه عن اول مشایخی؛ الذی الحقنی بالشیوخ و انافی ریمان الشباب وهو العلامة الاجل خاتمة المحدثین المجتهدین، ولانا الحاج المبرز احسن النوری النجفی المتوفی بهافی سنة ۱۳۲۰» .

و اینجاستانی است و آن اینکه تقریباً در چهار سال پیش که ایشان به مشهد مشرف شده بودند، در حرم امام ابوالحسن الرضا علیه السلام، پس از مدتی که صبر کردم تا از حال خاص و توجه خویش در آید، از او اجازة نقل حدیث خواستم آن بزرگ مرد بشدت گریست و ناله کرد و گفت در یفا که هم اکنون تنها یک کس دیدم که بفکر اجازة روایت است و احتیاط کن در نقل حدیث، کجاشد آن روز - کاران که با اتصال اسناد توجه داشتند و چه شد آن اهتمامهای سلف، در این مقوله می‌گفت و می‌گریست و برضیاع مرزبانی احادیث تأسف می‌خورد و می‌گفت استاد من نوری نیز بشدت متأثر بود از سست شدن اهتمام کسان در نقل مجاز حدیث. خاطره‌ی بی‌بود عجیب .

دارد شیخ آقا بزرگ است .

در حوزه‌ی سامرا نیز به محضر فقیه مجاهد و آزادیخواه معروف مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی (۱۳۳۸ م ق) می‌شابد و از تربیت او بهره می‌گیرد. و رویهم مجموع استادان وی نزدیک به سی نفرند که نوع آنان بزرگان علم و اخلاق و فضیلت در روزگار خویش بوده‌اند، مانند:

- | | |
|-------------------------------|----------|
| سید ابو محمد حسن صدر | م ۱۳۵۴ و |
| سید محمد کاظم یزدی | م ۱۳۳۷ و |
| حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل | م ۱۳۲۶ و |
| سید مرتضی کشمیری | م ۱۳۲۳ و |
| شیخ الشریعه اصفهانی | م ۱۳۳۹ و |
| شیخ محمد طاهای نجف | م ۱۳۲۳ و |

در کار نقل حدیث و اتصال اسناد نیز بنوع مشایخ اسلام و علمای بلاد و مذاهب پیوسته است چنانکه در طرق اجازه‌ی او از جمله سید ناصر حسین هندیست فرزند مرحوم علامه میر حامد حسین صاحب «عبارات الانوار» و نیز خود در اجازه‌ی نویسنده می‌گوید: «و ذکرنا بعض طرق عدة من مشایخی و مشایخ الاسلام قطان القاهرة و الحرمین الشریفین فی (ذیل المشیخة) المطبوع فی بیروت فی سنة ۱۳۸۱ هـ».

تالیفاتش:

۱ - الذریعة الی تصانیف الشیعه

۲ - طبقات اعلام الشیعه (۱)

(۱) در حدود ۳۰ جلد، در شرح حال دانشمندان شیعه در ظرف یازده قرن (۱۴-۴) مؤلف در اول این کتاب میگوید: «من آنرا از شرح حال بزرگان قرن چهاردهم هجری آغاز کردم و بقرن چهاردهم بانجام آوردم، و از آن، بیشتر نرفتم، زیرا فهرستهایی که رجالیون قدیم نوشته اند، شرح حال معروفان آن سه قرن را که از صحابه و تابعان و تابعان تابعان هستند در بردارد، و همه این کتاب مبسوطاً تحت عنوان - طبقات اعلام الشیعه - گرد آورده و هر قسمت را که مربوط به بیست و هفتمین ترتیب حروف نظم یافته، بنام خاصی نیز نامیده است بدین ترتیب:

(۱) نوابغ الرواة فی رابعة المآت

(۲) اراحة الحلك الدامس بالشهوس المضية فی القرن الخامس

(۳) الثقاة والعیون فی سادس القرون

(۴) الانوار الساطعه فی المائة السابعة

(۵) الحقائق الراهنة فی تراجم اعیان المائة الثامنة

(۶) الضیاء الالاع فی عباقره القرن التاسع

(۷) احياء الدائر من مآثر اهل القرن العاشر

(۸) الروضة المنضرة فی علماء المائة الحادية بعد العشرة

(۹) الكواكب المنتشرة فی القرن الثاني بعد العشرة

(۱۰) الكرام البررة فی القرن الثالث بعد العشرة.

(۱۱) نقباء البشر فی القرن الرابع عشر.

بخشهایی از این کتاب بچاپ رسیده است از جمله ۲ جلد از قرن ۱۴ تا حرف ص و از قرن ۱۳ تا حرف ح، و بحثی از قرن ۵ که در شرح حال شیخ الطائفة ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (۳۸۵-۴۶۰) است، در مقدمه تفسیر عظیم «التبیان» وجدانیز بعنوان «حیة الشیخ الطوسی» چاپ شده است.

کتاب «شهداء الفضيلة» علامه امینی نیز بدین کیفیت است، یعنی، تضمن

شرح حال شهدای عامای شیعه است از قرن ۴-۱۴، و سخن امینی اینست که چون ✓

- ۳ - مصفی المقال (۱)
- ۴ - توضیح الرشاد (۲)
- ۵ - تفنید قول العوام (۳)
- ۶ - النقد اللطیف (۴)
- ۷ - ضیاء المغازات (۵)
- ۸ - هدیه الراجزی (۶)

لا در سه قرن اول عالمانی که در راه حقايق مذهب شهيد شده اند بسيارند ، يك كتاب متكفل ذكر آنان نمیتواند بود .

راجع به آن رگه انحرافی که در تعلیمات شیعه رخ داده است ، از همینجاها میتوان روشن شد که آن صلابت که در شیعه قدیم بود و هر روز تا سرحد شهادت برای تصحیح شکل حکومت و ابقای نوا، پس الهی میآشفند اکنون نیست . و پس از سه قرن اول ، دیگر حقايق شهادت اتصال ندارد و به چنین چهرها گاه گاه بر میخوریم . و بیشتر به تعلیمهای محرف میرسیم و نغمه های سستی آور . مگر در این روز و روزگار که با باطلوع آفتاب روشنی آخرین مرزهای تشیع ، آن رسوم سستی روبه نیستی میرود ، و شعله حماسه و تپش در دلها جان میگیرد .

(۱) درباره مصنفان شیعه در علم رجال حدیث و تراجم ، شامل شرح حال نزدیک به شصت نفر .

(۲) درباره اجتهاد در احکام و موضوع تقلید عمومی ، و انحصاری وجه اجتهاد

بچهار نفر در مذاهب سنت

(۳) شامل بحثی اعتقادی درباره قدم و حدوث قرآن ،

(۴) راجع به تحریف و عدم آن در قرآن ،

(۵) در طرق اجازات نقل و روایت حدیث

(۶) شرح حال نزدیک به پانصد نفر از شاگردان مجتهد کبیر ، رحوم میرزا

محمد حسن شیرازی بزرگه (۱۳۱۲م ه ق) و احوال حوزه علمی سامرا .

۹- الاسناد المصنفی (۱)

۱۰- الدر النقیس (۲)

ماخذ شرح حالش .

مقدمه الذریعه بقلم : مرحوم کاشف الغطا

« شیخ محمد علی اوردبادی : ، »

« سید حسن صدرالدین : ، »

مقدمه نقباء البشر ج ۱ ، : « کاشف الغطا

ریحانة الادب : ، « شیخ محمد علی مدرسی

علماء معاصرین : ، « حاج ملا علی واعظ خیابانی

مشهد الامام : ، « محمد علی جعفر تمیمی

معجم رجال الفكر والادب فی النجف، مرحوم شیخ محمد هادی امینی

حسابترین فر از تاریخ (۳) بقلم، جمعی از دبیران دبیرستانهای مشهد

(۱) رساله بی است خلاصه شده از مصنفی المقال، که در آن فقط کسانی ذکر شده اند که در طریقهای روایت مؤلف واقعند.

(۲) خلاصه احوال رجال، مذکور در کتاب «تأسیس الشیعه المعلوم الاسلام» از استاد مؤلف، علامه سید حسن صدرالدین (م ۱۳۵۴) علامه رازی را تألیفهای دیگری جز اینها نیز هست، رجوع شود به مقدمه «الذریعه» بقلم مرحوم اوردبادی و راهنمای کتاب، سال ۴ ص ۵۲۵ ببعد.

(۳) در این کتاب ص ۶۴ ضمن سخن در باره وی چنین آمده است: «دانشمندی سالخورده، وجهانی در گوشه بنشسته، که هم اکنون هشتاد و هشتمین مرحله عمر پر نتیجه خود را میگذرانند، و با جثه ای نحیف؛ وضع پیری؛ و دست مرتمش، از نگارندگی و تحقیق بازنمی نشیند، مؤلف: «الذریعه» است.

راهنمای کتاب سال ۴ شماره ۵ و ۶ ص ۵۲۵ - ۵۲۹

الذریعه اش :

الذریعه ، یعنی عصاره‌ی تجلیات علمی چهارده قرن شیعه که در ۵۰ جلد تألیف شده و تنها فهرست و گزارشگر کتابهای عالمان شیعه است. راهنمای کتاب میگوید : امسال (۱) پنجاه و یکسال است که مؤلف ذریعه در زمینه جمع آوری فهرست عامی از تمام آثار قلمی شیعه از قدیم - ترین ایام تا با مرول مشغول تتبع است ، مؤلف در این مدت کتابخانه‌های عمومی و خصوصی عراق عرب و اغلب کتابخانه‌های مهم ایران را دیده و سفری هم بسوریه و مصر و فلسطین و حجاز کرده ، و اغلب فهرستهای کتابخانه‌های ترکیه و هند و برخی فهرستهای اروپائی را از نظر گذرانده است « (۲)

و روشن است که نوشتن این کتاب ، از تألیف يك دائرة المعارف مفصل ، بسیار ، رنج آورتر و زحمت بارتر است ، زیرا در دائرة المعارفها موضوعهای گوناگون گردآوری میشود ، و در سراسر پنجاه جلد این کتاب ، يك موضوع تعقیب شده است پس مؤلف چه تاریك شبانی ، همدم با ستارگان بصبح آورده است و چه غروبها ، در گوشه و کنار کتابخانه‌ها گذرانده و دایم با سنسناخ مشغول بوده است.

غروبها برای کسانی که در کتابخانه‌ها زیاد بسر برده اند تأثیر مخصوصی دارد ، وقتی آخرین اشعه‌ی خود با خنهی آفتاب غروب از

(۱) شهریور ۱۳۴۰

(۲) سال ۴ ص ۵۲۶

پشت شیشه ها با آخرین ردیف کتابها می افتد ، و کم کم سطح نیلفام افق روباتریکی مینهد ، رنگ پریدگی طبیعت ، فرود آمدن خورشید از اوج پر غرور خویش ، از میان رفتن روشنائی بیدریغ روژ ، سکوت عمیق کتابخانه ، ردیفهای آرام کتابها و در فصل زمستان گذشتن پرستوها از روی آسمان ، اینها خاطراتی ویژه و زنده کننده ی احساساتی ژرف است .

ایمان عمیق مردان پیگیر ، گاهی لطافتهای رقت آور ، وجهشهای زود گذر را نیز نادیده گرفته ، و آنان را بیشتر بکوشش و امیدارد ، پنجاه سال عمر خود را در کتابخانه سپری کردن ، و در آثار گذشتگان و مردم قرنهای پیش کاویدن ، به عشق زنده کردن افتخارات علمی يك ملت ، بیقین علاقه یی ، عمیق ، و اراده یی چون کوه استوار ، و احساساتی چون دریای بی ساحل می خواهد گر چه در کتب و رسائل تاریخی و ادبی ، کتابهایی را نام برده اند که در راه تألیف آنها نیز ۵۰ سال عمر گذشته است لیکن - چنانکه بر اهل فن پنهان نیست - نمیتوان ۵ جلد مثل (اغانی) را از نظر کیفیت کار و لزوم تتبع و دقت و پژوهش همسان یک جلد (الذریعه) دانست. و در عین حال همگان مأجورند .

اکنون نظر من در نوشتن این گفتار ، بیشتر به جامعه طلاب است که باید بزرگان خود را - بخصوص معاصران را - خوب بشناسد و بویژه آنان که نمونه ی پیشینیان هستند ، تابدا ند که در همین روزگار هم کسانی هستند که بیدریغ یک عمر در راه دانش و حقیقت بکوشند و چنین آثاری عظیم ایجاد کنند ، بهر حال باید در پیش راه ما هر مشعلی قرار گرفته

بر آوریم ، که این خود در ایجاد شخصیت ، و آفریدن نشاط و امید بس سود -
آوراست .

اینک گزارشی مختصر از ۱۳ جلد «الذریعه» در اینجا می آوریم و
پس از آن تذکاری وبس :

جلد ۱ - (اب - از ۵) ۵۳۶ ص با معرف فی ۲۶۰۸ کتاب (۱)
در این جلد مقدمه‌یی است از مرحوم کاشف الغطا مقدمه‌یی از
مرحوم او ربدادی (۱۳۸۰م) و مقدمه‌یی کوتاه از مرحوم سید حسن صده
(۱۳۵۴ م) و مقدمه‌یی از خود مؤلف شامل بحثهایی جاب ، از جمله
بحث :

«الکتاب و احکامه الشخصیه» و

«الکتاب الفاضل فی ناموس الاعتدال»

جلد ۲ - (تا پایان الف) ۵۱۹ ص ۲۰۴۵ کتاب

در این جلد از شماره‌ی ۱۲۶۱ تا ۱۳۶۳ کتابهای امامت راز کس
کرده است که از : «کتاب الامامة الصغیر» و «کتاب الامامة الکبیر» تألیف :
ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی (۲۸۳م) از عموزادگان مختار بن ابی -
عبیده ثقفی می آغازد . و در اینجا تنها کتابهایی آورده شده که در موضوع
امامت است و بدون نام مخصوصی ، یا با همین نام ، و کتابهایی که در این موضوع
است و نام دیگری دارد ، در محل خود بترتیب حروف ذکر شده است
از اینجا پیکیری علمی شیعه در این اصل حیوتی و روشن کردن شکل

(۱) در ضمن آنها بیش از هشتصد اجازه از اجازات علمای شیعه ذکر شده
است که بهترین نمودار از نجره اسناد و طبقات علمای ایشانست - راهنمای کتاب
سال ۴ ص ۵۲۶ .

حکومت بخوبی مشهود میشود .

جلد ۳ - (ب اب - ت ح ی) ۳۹۶ ص ۱۹۱۸ کتاب

جلد ۴ - (ت خ ر - ت ی م) ۵۱۸ ص ۲۳۰۴ کتاب (۱)

جلد ۵ - (۲) - (ث ا - چ ژ ی) ۳۲۰ سال ص ۱۵۱۴ کتاب

جلد ۶ - (ح ا ت - ح ژ ن) ۴۱۲ ص ۲۴۷۳ کتاب (۳)

جلد ۷ - (ح س ب - خ ی م) ۳۰۲ ص ۱۴۱۷ کتاب

جلد ۸ - (د ا د - د ی و) ۳۰۴ ص ۱۳۰۹ کتاب

در آغاز این جلد بحثی است مفید ، در تاریخ دائرة المعارف نویسی

در جهان ، و بحثی در انواع داستان ، و داستان نویسی و داستان سرائی در

ایران جلد ۹ - این جلد از حرف دال به دیوانها اختصاص داده شده و

بترتیب حروف تخلص شاعران مرتب گشته ، و بعنوان «الذریعه ، قسم

الشعر والشعراء ، خود در چهار جلد قرار گرفته است که سه جلد آن تا

کنون به چاپ رسیده است ، و در جلد اول (دیوان آئینه - دیوان دیبیم) و

جلد دوم (دیوان ذاتی - دیوان عبدالصمد)

۴۷۹۰ دیوان معرفی شده است .

جلد ۱۰ - (ذ ا - رس ا) ۲۷۲ ص ۸۸۵ کتاب

(۱) در ضمن آنها هفتصد تفهیر از تفاسیر شیعیه ، معرفی شده است . راهنمای کتاب .

سال ۵۲۶

(۲) از این جلد بید حواشی و تعلیقاتی از فاضل محترم آقای علینقی منزوی

(فرزند مؤلف) دیده میشود .

(۳) و در ضمن آنها ۷۶۳ کتاب بعنوان حدیث معرفی گردیده که منابع

حقوق شیعیه است ، و اکثر آنها در سده دوم و سوم هجری قمری تألیف شد است . راهنمای

کتاب ، سال ۵۲۷

جلد ۱۱ - (رسا - ری گک) ۳۴۶ ص ۲۰۴۲ کتاب

جلد ۱۲ - (زاد - سی ه) ۲۹۴ ص ۱۹۷۴ کتاب

جلد ۱۳ - (شرد - شروح) ۴۰۰ ص ۱۴۷۷ کتاب

جلد ۱۴ - (شر - شری) ۲۷۷ ص ۱۰۹۶ کتاب

در خلال مجلدات الذریعه، مطالب علمی و مباحث سودمندی یافت می‌شود که همه حاکی از وسعت اطلاعات مؤلف است. اینک از انتشار جلد اول آن ۳۰ سال می‌گذرد، و مؤلف عالیقدر - دام‌ظله - در مدت این سی سال توانسته است تنها ۱۴ جلد از کتاب پراج خود را منتشر سازد.

آیا سزاوار است بامردی که تنها باین اقدام بزرگ همت گماشته است همکاری نشود؟

آیا این مسؤولیت، هم بعهده‌ی روحانیت، و هم بعهده‌ی دانشگاه تهران نیست که این کتاب هم‌بگونه خطی بماند؟

آیا اگر ۵۰ جلد کتاب در قفسه‌ی هر کتابخانه‌ی بی‌از کتابخانه‌های جهان، بعنوان فهرست **تالیفات شیعه**، ردیف شود آفریننده‌ی بزرگترین حیثیتها نیست؟

اینکاش بحقایق اصول یک اجتماع، و ریشه‌ی پر دامنه‌ی یک ژندگانی راقی، بیشتر توجه گردد، و به‌فناخر ملی و مذهبی یک ملت اینچنین ساده‌نگریسته نشود. در سالهای اخیر دانشمندان بزرگی در روحانیت و دانشگاه تربیت یافته‌اند که سزاوار است بعنوان سرمشق بجامعه‌ی دانشجو و دانش‌آموز، شناسانده شوند. شاید جوانان ما از خواندن اوراق عفت‌سوز و کتب مسموم‌کننده‌ی مؤلفان ناراحت و سطحی‌کم کم دست-

بردارند، و با آشنایی یافتن با سرگذشت بزرگان، خود را برای رسیدن
 بآنان آماده سازند، و کشور را جنبشی علمی دهند .

جامعه‌ی محصل، باید از شرح حال بزرگان علم و دانش و فضیلت
 و درجه‌های گرانی را که آنان برده‌اند، بخوبی آگاه گردد. و این وظیفه‌ی
 دایره‌های آموزشی است که رساله‌هایی جالب و زیبا در شرح حال آنان
 تهیه کند. و خواندن آنها را جزء برنامه‌ی محصلین قرار دهد، باشد که
 از اینراه جوانانمان مشعلهای فروزان علم و فرهنگ حقیقی را بدوش
 کشند و پیشرو نسلها گردند . . .

(هندوستان و وحشی جنگی!)

در همین هندوستانی که ماوشما اسمش را جنگستان گذاشته‌ایم و
 هر فرد پستی‌ازما خود را از هر جهت دانش؛ تدبیر؛ زندگانی و
 سیاست و بلکه در همه چیز نمر پرو و گانندی و پتل آنها بالاتر میدانیم
 یکدسته از اشراف وجود دارند که وقتی منزل یکدیگر میروند،
 صاحب‌خانه در عوض چای و سیگار و تشریفات پول آنرا بهمان
 میدهد مهمان هم با کمال بشاشت پول را گرفته و وقت بیرون آمدن
 در صندوق اعانه‌ای که جلو درب‌خانه نصب شده است میریزد .
 آنوقت از همین پولها نوانخانه‌ها، بیمارستانها، کودکستانها
 زایشگاهها میسازند بلی هندوستان؛ هندوستانی که بنظر ما وحشی
 و جنگی است؛ اینطور است اما کشور شه‌زار ساله‌ی داریوش و
 مهد تمدن شرق؛ و چشم چراغ آسیا؛ آنطور چنان راه‌زندگان
 را گم کرده‌ایم که بر خودمان هم مشتبه شده‌است .

این مقاله‌ای که دانشمند معظم جناب آقای جعفری تهریزی در اختیار ما گذارده اند در آن راجع به چند قسمت بحث میشود:

۱ - راجع به پیدایش اخلاق و روشهای اخلاقی قدیم و جدید بعضی از کشورها .

۲ - راجع به مذهب و پدیده و چگونگی آن .

۳ - مقایسه اخلاق و مذهب با هم و بحث در اینکه آیا اخلاق به تنهایی یا مذهب به تنهایی میتواند در بین بشر باشند یا نه؟ قسمت اول آنرا که راجع با اخلاق است در این شماره میخوانید و قسمت‌های بعدی را بخواست خدا در شماره‌های ماهیانه معارف جعفری خواهید خواند .

«معارف جعفری»

محمدتقی جعفری تهریزی

اخلاق یا مذهب یا هر دو؟

- * نمودار شدن روشهای اخلاقی از قدیمترین تاریخ انسانی
- * روش اخلاق در هند باستان
- * اخلاق دوران باستانی مصر
- * روش اخلاقی ایران باستان
- * روش اخلاقی در چین باستانی
- * ایده قوم یهود در اخلاق